

وحدت عمل و مبارزه همه نیروها و عناصر مخالف استبداد، شرط اصلی بر انداختن رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه است!

شماره صد و نود و پنجم

مردم

ار دلان مرکز کوی خوب توده ایران

رضا فلاح، خدنگزار شرکت غاصب سابق انگلیسی نفت و کسرسیوم بین المللی، اخیراً به دستور احکامی علیه جنبش ملی شدن نفت ایران پرداخته است. وی در تفرقه که روز ۱۲۳ بان در کلوب پروتانی، هرگز ای براد نمود، رای ۱۱ ژوئیه ۱۹۵۲ دیوان بین المللی لاهه را مبنی بر عدم صلاحیت برای رسیدگی به شکایت انگلستان از ایران در موضوع شرکت سابق نفت «بزرگترین شکست تاریخی ایران، خواند» او هم چنین ادعا کرد، که گویا

کار با استبداد وارد گستره تازه ای میشود

(نظری به وضع کنونی کشور)

جریان نشانی میدهد که رژیم استبدادی درنده خوی شاه، علیرغم آنچه تبه کارهای شوم دستگاه شکنجه و اعدام خود، بوسیله ساواک و داد گاهای، در بسته نظامی، تیراوست جامعه ایران را مرعوب ویا بکک عوامتربیی های موسوم به «اصول انقلاب»، آنها را مجذوب نماید. بیخ سکوت یکبار دیگر و این بار با ترکش سهما کثرتی برای استبداد شکنسته و شاه دم منش که آوای خلق برایش سخت روح آزار است، حتی در جریان مذاکرات خیانت آمیز کاخ سفید، مجبور بود بانگ نفرت عده ای از ایرانیان را از رژیم خویش بشنود.

دامنه مبارزات مردم ایران در داخل و خارج کشور و بویژه در درون کشور طی ماههای اخیر مایه شادمانی و افتخار هر ایرانی میهن پرستی است. زیرا این مبارزات در یکی از سخت ترین شرایط و علیه یکی از فرومایه ترین و کین توزترین و بی پرواترین رژیم های فاشیست ماب جهان معاصر انجام میگردد و لازمه آن احساس عمیق شهروندی و آمادگی به ایثار و فداکاری است.

شاه پس از انجام سازشهای پس پرده، با افزایش شناخته شده ای که طی سلطنت نالغجسته خویش بارها از آنها استفاده کرده، علیه مبارزات مخالفان رژیم، بمیدان آمد: برخی تغییرات بی اهمیت در نمایندگانی حکومت ایجاد کرد، بدعاوی بی محتوا و یا کم محتوی در مورد رفتار نسبت به زندانیان و آزاد کردن آنان دست زد و سپس... با اصطلاح نمایندگان دروغین «اصناف» و کارگران را (که همه میدانند غیر از چیره خواران ساواک کسان دیگری نیستند) برای نشان دادن آنکه گویا افکار عمومی اکثریت جامعه بسود رژیم غارت و جنایت اوست، به عرض اندام واداشت و چاقو کشها و چاقو داران را بجان مردم بی سلاح و پناهی که جز سخن حق وسیله ای برای دفاع از خود ندارند (مانند حادته تنگین کاروانسرای سنگی و ضرب و شتم عده کثیری از مخالفان رژیم) کشتن داد.

این اسلوبهای «تازه» شاه، که موافق الگوهای شناخته شده در کشورهای سرمایه داری انجام میگردد، احدی را در جهان قزلب نمیبند. حتی مطبوعات بورژوازی مانند «هرالد تریبون» از «اجرام و اوباشی» که شاه بجان مردم انداخته است سخن گفته.

اما در خود ایران مطلب بر همه روشن است. شاه قانع نیست دامنه پاک طبقه شریف کارگر ایرانی را با این تقابلهایی رسوا آورده و لکه دار کند. اصناف ایرانی نیز با بقیه کشورهای جامعه سر جنگ و ستیز نمازند. کسانی که در رادیو و تلویزیون ایران نعره میکشند، همان «باند سیاه» شناخته شده ای هستند که شاه از دوران حکومت ملی دکتر مصدق تا کنون از آنها علیه مردم و آرمانهای مردم استفاده میکند. شاه پرورنده شعبان بی مخ هاست و این حقیقت در تاریخ ثبت است، و شاه هر تلافی که بکند نمی تواند خود را از این واقیعات سر سخت خلاص کند.

همین چندی پیش بود که روزنامه های فرانسه از میرواوت اشرف خواهر توامان شاه بایکی از سرکردگان مافیای امریکا پرده برداشتند. جباران تاریخ هرگز در استفاده از این وسایل دچار سرزنش و جدان نبوده اند!

اما اکنون وضع از جهت مبارزات مردم چگونه است؟ آنچه که مسلم است شرایط داخلی و خارجی دنباله در صفحه ۲

رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه در دوران اخیر ج. و مرج اقتصادی حادثی شد که در پدیده تند توزم و افزایش سریع قیمت ها، هرج و مرج بندرها، کمیود کارشناسان و کارگران ماهر، زبانی بخش عدم تامین انرژی برق و آب برای صنعتی و مسکن، فرار داممی و گسترده ها از کشور، برهم خوردن بازار هم بیشتر تانس نرات و واردات و تشدید بازار هم فاحش تر از سب هرج و مرج شدید در کشاورزی، مشکلات امر مسکن، آموزش و درمان و غیره و غیره کرده است. این آشفتگی حاد اقتصادی از ناگزیر و شوم سیاست ضد ملی و ضد خلقی عرصه اقتصادی، یعنی سیاست میدان دادن گری امپریالیستی و باز گذارن دست تاراجگران عم از سرمایه داران بزرگ بورکراتیک و سرمایه زمینداران بزرگ خصوصی وابسته به امپریالیسم س آنها خانمان بهاوی است.

ایران اکنون یکی از بزرگترین خریداران کالاها و کشاورزی و یکی از وارد کنندگان لاهای معضری از کشورهای امپریالیستی در ویل دلارهای نفتی است. مهمترین ثروت ایران نه ترین شکل در پای دشمنان ستنی ترقی و و آزادی میهن ماریخته میشود.

سیاست ضد خلقی و ضد ملی رژیم در زمینه موجب تشدید بیشتر عدم رضایت توده های حتی مخالف معینی از طبقات حاکمه شده است. هم و بویژه امپریالیسم امریکا از مشکلات و سیاسی رژیم و تزلزل دیکتاتوری محمد رضا رای بنسب آوردن امتیازات راهزنانه باز هم بود جست. شاه که برای حفظ تاج و تخت ی بارها گفته است حاضر است سراسر کشور ر زمین سوخته بدل کند، از هیچ تسلیمی که ای حفظ موجودیت حاکمیت خود ضرور بشمرد، با ندارد. این واقیعی است که شاه در زندگی سلطنت مستبده خویش بارها نشان داده است.

نیز شاه در کاخ سفید و کاخ کیود واشنگتن کارزار و در برابر نمایندگان انحصار های ن حد اعلا امتیاز در رژیمه های مختلف نفت، اسلحه، خرید کالا، سیاست تشنج و تا بتواند بدون دغدغه از شانتاز حقوق بشر و چیمی کارتر، سگان هر خویش را یکبار دیگر مردمی که از خیانت ها و جنایات ها جانشان پدیده است، کیش بدهد. شاه نه فقط در خارج ل کشور نیز با برخی قشر های با نفوذ سرمایه بصوصی وابسته به امپریالیسم (که خواهان سهم در قدرت هستند) وارد بند و بست شد تا از داخلی خود جلوگیری کند.

چنانکه میدانیم آشفتگی اقتصادی و تزلزل رژیم در دوران اخیر، دامنه مبارزات قشرهای مردم را گسترش داد: انحصاریات کارخانه ها نت. ردهای مختلف دانشجو، روحانی، روشنفکر صه مبارزه گردید. حتی در ارتش میهن پرستانی خود را بلند کردند. پس از مبارزات و حوادثی اشتباهه برخی اصلاحات و از آنچه اصلاحات رژیم، وین را باین عقب نشینی ها وادار کرده طی سالیان اخیر، چنین مبارزاتی با چنین ی دیده نشده و حتی میتوان گفت مبارزات اخیر

یافته که روند انقلابی در جامعه ما بیش از پیش یوانده و عمق قزوتتری کسب کرده است. این

بنا دیگر به جنبش ملی کردن صنایع نفت بهتان میزنند

قطعه عطفی در تاریخ ایران و بلکه تاریخ جهان بود. (متن این نطق در روزنامه «اطلاعات»، شماره شنبه ۲۴ آبان ۱۳۵۶ درج شده است.)

به اظهارات فلاح از جانب عده ای پاسخ مقتضی داده شده است. جنخل و دروغ او در تعریف رای عدم صلاحیت دیوان داوری لاهه آشکار است. در این نوشته فرصت و امکان پرداختن به توضیح مسائل تاریخی جنبش ملی شدن نفت نیست. در این باره همین قدر کافی است نوشتن یادآور شوم:

دنباله در صفحه ۲

شرکت نفت انگلیس هم اصل ملی شدن را برسمیت شناخته بود. گویا دیوان داوری به عدم صلاحیت خود ایران را ۲۰ سال عقب برده و نظریات لاطاللات. باین مقدمه فلاح نتیجه میگردد که «با عقاد او» دولت مصدق «بزرگترین خیانت را به این مملکت مرتکب شده، نهایت اینکه جناب فلاح نطق خود را در کلوب روتاری با تعریف و تمجید از انعقاد قرار داد فروش نفت به کسرسیوم در ۹ مرداد ۱۳۵۲ خاتمه داده و مدعی شده است که گویا با آن قرارداد مصمتت نفت ایران از دست کسرسیوم خارج شده، و نهم مرداد ۱۳۵۲

جنبش دموکراتیک ۲۱ آذر

جنبش ۲۱ آذر بمقابله دامنه جنبش مشروطه و جنبش دموکراتیک خیابانی، یکی از درخشانترین صفحات تاریخ جنبش انقلابی خلق آذربایجان است. با پیروزی آن یکرشته از خواستها و آرزوهای مردم تحقق پذیرفت، آزادیهای مصرح در قانون اساسی که بدست رضا شاه مدفون شده بود احیا گردید و در سراسر ایران میدان مبارزه توده های زحمتکش گسترش یافت.

گرداندن گان رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران پیوسته به تحریف حقایق تاریخی می پردازند و از هر فرصتی برای ایراد اتهامات بیشرمانه به جنبشهای دموکراتیک و استقلال طلبانه میهن ماستفاده میکنند، بویژه هر سال در آستانه ۲۱ آذر به تبلیغات زهر آگین دامنه دار دست میزنند. هوشنگ افسری عامل سیا و یکی از مهره های مؤثر رژیم میگوید (روزنامه کیهان شماره ۱۰۳۲۸): «۳۰ سال پیش یا ۳۲ سال پیش در ایران آزادی تا حد بی بند و باری و هرج و مرج وجود داشت در آرزومان در بسیاری از دموکراسی های غربی بعضی اقتدار سیاسی و تشکیلات خاص سیاسی قانوناً با اعلام منع بود و در بعضی از آنها هزاران کتاب رسفا در لیست کتابهای ممنوع قرار داشت. دهها نویسنده حتی انتشار آثار خود را نداشتند، نزدیک به یکصد نویسنده برجسته غربی به حال تبعید اجباری در دیگر کشورها به سر میبردند... هیچیک از منوعیها محدودیتهای مورد بحث در ایران وجود نداشت... آن فضای سیاسی با همه آزادیهای ظاهریش یکجا منجر شد؟ مسئله آذربایجان پیش آمد یعنی توطئه برای تجزیه مملکت... این ادعای انصرست. اما واقیعت اینست که ۳۲ سال پیش پس از آنکه زیر ضربات ارتش قهرمان شوروی، فاشیسم هیتلری تار و مار شد و میلیتاریسم ژاپن شکست خورد، در نتیجه اعتلاء جنبش کارگری و دموکراتیک در سراسر جهان آن مجلودیتها و منوعیها که قاشیستها بر مردم تحمیل کرده بودند از میان برخاست و مبارزه خلقهای کشورهای مستعمره و وابسته برای کسب آزادی و استقلال گسترش یافت.

اما در آرزومان ارتجاع ایران علیه جنبش کارگری و دموکراتیک به حمله آغاز کرده بود. مردم ایران سر دو راهی قرار داشتند، یا باید تسلیم دیکتاتوری شوند و یا علیه آن بمبارزه بریزند. تیرو های ملی و دموکراتیک راه دوم را بر گزیدند. جریان تاریخ یکبار دیگر مانند دوران انقلاب مشروطه، آذربایجان را به تکیه گاه نیرو های ملی و دموکراتیک ایران مبدل ساخت. فرقه دمکرات آذربایجان، که در شهریور ۱۳۲۴ تأسیس یافته بود، در آذربایجان رهبری جنبش دموکراتیک را بدست گرفت. فرقه دمکرات آذربایجان بر وفق قانون اساسی انتخاب انجمنهای ایالتی و ولایتی را خواستار شد. اما از آنجا که هیئت حاکمه مرتجع خواستهای قانونی مردم را نادیده گرفت و خواست بزرور اسلحه جنبش را سرکوب کند، خلق آذربایجان سلاح در دست، تشکیل حکومت ملی و دموکراتیک خود را طلبیدند و جنبش ۲۱ آذر این خواست مردم را با موفقیت تحقق بخشید.

ماهیت جنبش ۲۱ آذر را نیرو های محرک آن، اقدامات حکومت ملی و همچنین کیفیت دوستان و دشمنان جنبش بخوبی روشن میسازد: شرکت کنندگان جنبش ۲۱ آذر بطور عمده از کارگران، دهقانان، روشنفکران آزاد بخواه و قشر های وسیع پیشه وران

دنباله در صفحه ۲

توطئه شاه و قابوس

در حالیکه خبر گزارهای جهان از پیشرفت مذاکرات منده لونیچ - وارنکه نمایندگان دو کشور شوروی و امریکا در شهر «برن» سوئیس» (راجع به محدود کردن فعالیت نظامی طرفین در اقیانوس هند) خبر میدهند، شاه در سفر خود به عمان، بدنبال نقشه های سابق، با قابوس توطئه جدیدی در جهت تشنج فزائی و علیه صلیح منطقه میچیند.

ایران در عمان بنابه اطلاع مطبوعات خارجی يك تیب کامل ارتش (که البته دارای جنبه سمبولیک است) تگه میدارد. این تیب کر آغاز بعنوان سرکوب «صد نفر یا برهنه» (بنابه اصطلاح فصیح شاهانه) وارد کشور عمان شده است و در این کار با نیروهای اشغالگر انگلیسی در این کشور همکاری کرد، ولی اینک خود وسیله ایست برای تأمین حضور و دخالت نظامی ایران و تهدید دائمی جمهوری دموکراتیک یمن. روزنامه کیهانی (السیمه) که اخیراً با نخست وزیر جمهوری دموکراتیک یمن جنوبی مصاحبه کرده، از قول وی نوشت که نیروهای خارجی ایران و انگلیس که هنوز در عمان مانده اند نه تنها برای ما بلکه برای صلح و آرامش در منطقه ایجاد خطر میکنند. نخست وزیر یمن خروج نیروهای ایرانی و انگلیسی و انحلال پایگاههای نظامی را خواستار شد.

وای علاوه بر آنکه در مذاکرات سه روزه شاه و قابوس در عمان تصمیمی در باره خروج نیروهای ایران اتخاذ نگردید، بلکه زمینه سرهم بندی ائتلاف ارتجاعی تازه ای نیز چیده شد. روزنامه مطلع «هرالد تریبون» در شماره ۹ دسامبر ۱۹۷۷ خود می نویسد: «شاه محمد رضا بهاوی پس از مذاکره در باره تشکیل یک اتحاد برای امنیت منطقه نفت خیز خلیج با سلطان سیند بر قابوس به تهران مراجعت کرد. این روزنامه تصریح میکند که بجز اعلامیه های درباره گسترش روابط اقتصادی امر باره اصل مذاکراتی که انجام گرفته اعلامیه ای نشر نیافت. کوشش اخیر شاه بدنبال تلافی مکرر گذشته او برای ایجاد یک بلوک ارتجاعی بسود امپریالیستها در منطقه است، که تحت عنوان فروغین، حفظ امنیت خلیج فارس، استقامت بشود. این بلوک کارزار سلطان قابوس که شاه وسایل بیشتری برای یافتن «زبان مشترک» با او دارد، آغاز شده است. هدف شاه آنست که برای مداخلات آتسی نظامی خود در منطقه پایه و توجیه قانونی، ایجاد کند.

سفر سه روزه شاه به عمان و گفتگو بر سر ایجاد اتحاد جدید باصطلاح برای امنیت خلیج، همراه است با فعالیت دیگری که دولت ایران باز هم در جهت اخلال امنیت منطقه و این بار در مؤرد سومالی میکند. روزنامه پروفا در تاریخ ۱۳ دسامبر در این باره چنین نوشت: «علاوه بر عربستان سعودی، ایران نیز موفقیت خود را در کشور سومالی تحکیم میبخشد. چنانکه روزنامه «نایروبی تریبون» اطلاع میدهد، در دوران دیدار شاه از واشنگتن و پاریس، مسئله کمک نظامی به سومالی موضوع عمده صحبت بوده است. این واقیعات ایفاه نقش ژاندارم شاه را در عمل نشان میدهد. اسرائیل در سمت غربی و ایران در سمت شرقی منطقه خیار میانه بسود انحصار های چند ملیتی امپریالیستی هر یک سخت مشغول عملند، عملی که ضد صلح و امنیت و استقلال خلقهای این منطقه و یک ماجراجوئی کامل سیاسی است و در طول مدت میتواند عوارض نامطلوبی ایجاد کند.

دنباله در صفحه ۲

بار دیگر بنجیش ملی کردن ...

اولاً : فلاح رای ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۲ دیوان لاهه مبنی بر عدم صلاحیت برای رسیدگی به شکایت انگلستان از ایران را که بسود ایران بوده تحت علامت سوال قرار میدهد و نه قرار موقت صادره این دیوان در ژوئیه ۱۹۵۱ را. قرار اخیر مقرر میباشد دولت ایران هیچگونه اقدامی که منجر به تغییر اوضاع بصرفه کمپانی نفت اینگیس و ایران شود بعمل نیاورد. چنانکه میدانیم دولت ملی مصدق در همان موقع اعلام داشت که دیوان لاهه را برای رسیدگی به مسئله ملی کردن نفت که يك امر داخلی است. صالح نمیباشد و با مال قرار موقت صادره را کابل نمیکنند.

ثانیاً: بزم آقای فلاح این دولت مصدق نبود که مسئله ملی شدن نفت ایران را به جامعه بین المللی می کشانید. این دولت انگلستان ارباب آنروز و امروز آقای فلاح بود که ابتدا رأی موقت دیوان لاهه را مستمسک دخالت در امور داخلی ایران قرار داد. سپس وقتی تلاش مذبحخانه آن به نتیجه نرسید بر اساس همان رأی موقت در ۲۸ سپتامبر ۱۹۵۱ مسئله نفت ایران را به شورای امنیت کشانید. همه این تلاشها حاکی از آن بود که انگلستان چنانکه فلاح ادعا میکند. نه فقط خود اصل ملی شدن را برسمیت نمی شناخت بلکه مجامع بین المللی را نیز در جهت امتناع از شناسایی این اصل تحریک و ترغیب مینمود.

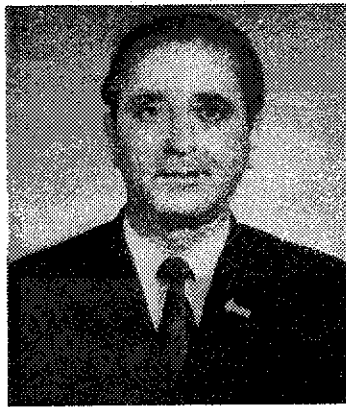
لیکن بیادانی دولت ملی مصدق و مبارزه مؤثر آن در زمینه های حقوقی نفت ایران. گذشته از عقیم گذاشتن توطئه های انگلستان در شورای امنیت سازمان ملل به بصورتی عدم صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری لاهه در ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۲ انجاسید. صدور این رأی بیروزی بزرگی برای ایران بود. به استناد همین رأی عدم صلاحیت بود که توطئه دولت انگلستان در سازمان ملل متفق و شورای امنیت نیز بسود ایران خنثی گردید. دبیر کل سازمان ملل در ۱۹ اوت ۱۹۵۲ با اعلام مراتب در شورای امنیت سازمان ملل قرار موقت صادره ۵ ژوئیه ۱۹۵۱ دیوان لاهه را نیز از درجه اعتبار ساقط اعلام کرد.

کلیه این مطالب تقریبی روشن و قطعی فلاح خود بهتر از هر کس دیگری به این جزئیات وارد است. او اگر در مقام یک تاریخ نویس میخواست تشریح ملی شدن نفت ایران را ورق بزند جز تأیید این حقایق و گرفتن نهان بر این امر که نه دولت ملی مصدق بلکه علان کودتای ۲۸ مرداد بزرگترین خیانت را به ملت ایران مرتکب شدند چاره ای نداشت. این امپریالیسم امریکا و انگلیس. «سیا» «اینٹیلیجنس سرویس» بود که با کودتای شاه زاهدی ایران را به عقب برگرداند و نه جنبش ملی شدن نفت و دولت ملی مصدق. اما مطلب آن است که فلاح تاریخ نویسی و مشاهده گر بیطرف نیست. او خود از بازیگران و مهردهای اصلی خیانت به منافع مردم ایران در نفت است. فلاح نوکر دو ارباب است. او همین دید به مسائل نفت ایران نگریسته و می نگرد.

فلاح جیره خوار شرکت غاصب سابق نفت است و به همین جهت وظیفه خود میدانند امروز که پیش از یک ربع قرن از ملی شدن نفت ایران میگذرد مخالفت عنوانه امپریالیسم انگلیس را علیه جنبش ملی شدن نفت بفراموشی سپارد و مدعی شناسایی اصول ملی شدن نفت از جانب آن گردد. بدینوسیله فلاح میخواهد گناه امپریالیسم انگلیس را در مخالفت عنوانه با ملی شدن نفت به گردن مصدق و یابرداری او در طرد این امپریالیسم غارتگر از نفت ایران بیاندازد. اما فلاح امروز جیره خوار کسرسیوم بین المللی نفت است که سهام عده آن را اعضاء امریکائی و انگلیسی کازتل در اختیار دارند. چنین شخصی باید از انعقاد قرارداد فروش نفت به کسرسیوم دفاع کند. قراردادی که مانع از استیلا واهی حقوق ایران در نفت است. طبق این قرارداد ۳ میلیارد بشکه از ذخایر نفت ایران به مدت ۲۰ سال یعنی تا سال ۱۹۹۴ که سال پایان امتیازنامه های تنگین ۱۹۳۳ قرارداد جمعی ۱۳۳۴ است به اعضاء کازتل پیش فروش شده است.

فلاح از مهردهای اصلی و بازیگر صحنه است. مورخین کش و در تدارک و تحویل قرارداد فروش نفت است که علیرغم تعادل عمومی مردم ایران دائره اجتناب واقعی قانون ملی شدن نفت در سال ۱۳۵۲ با اجرا درآمد. این قرارداد تنگین امروز بعنوان نسخه بدل همان قرارداد اسارت بار اولی کسرسیوم افشاء شده و افکار عمومی

در گذشت



با نهایت تأسف اطلاع یافتیم که میر رحیم ولایتی عضو فرقه دمکرات آذربایجان سازمان حزب توده ایران در آذربایجان - یکی از مبارزین فعال جنبش رهایی بخش خلقهای ایران! روزنامه نویسی و پژوهشگر با استعداد در سن ۶۱ سالگی در گذشت.

میر رحیم ولایتی از جوانان جوانی بصوف مبارزان بیوسست. سال ۱۳۱۶ نیلس رضا شاه اورا با تمام تبلیغ مرام کمونیستی دستگیر و در زندان قصر قاجار زندانی کرد. شرایط طاقت فرسای زندان و شکنجه های پلیس نتوانست در اراده محکم وی نفوذ کند و او بهایه مبارز آشتی ناپذیر به یابرداری خود ادامه داد. سال ۱۳۲۰ با سقوط دیکتاتوری رضا شاه و گسترش مبارزه خلقهای ایران میر رحیم ولایتی از زندان آزاد و با عضویت در حزب توده ایران به مبارزه و زندگی سیاسی خود قدرت تشکر. معنی و مفهوم تازه ای افزود. او بعداً عضویت کمیته ایالتی و هیئت رئیسه آن و بنامندگی کنفرانس کم حزب توده ایران انتخاب و در پیشبرد خواسته های سازمانی و ایده اولویت حزب با تمام نیروی خود کوشاید. در سال ۱۳۲۴ داخل صفوف فرقه شده و یکی از مؤسسون فرقه و حکومت ملی آذربایجان بود. او همچنین بنامندگی مجلس ملی آذربایجان و دبیری هیئت رئیسه مجلس ملی آذربایجان انتخاب شد. در همین حال به معاونت صدر کمیته شهری (شهر تبریز) فرقه دمکرات آذربایجان انتخاب و فعالیت پر ثمری داشت. شرکت فعالانه میر رحیم ولایتی در جنبش دمکراتیک آذربایجان و زحمات وی با مجال ۲۱ آذر و نشان ستارخان تقدیر شد. رفیق ولایتی از سال ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۳۰ مدیر روزنامه «آذربایجان» در سالهای ۱۳۳۱ - ۱۳۳۶ عضو کمیته مرکزی و هیئت اجراییه کمیته مرکزی و دبیر شیه تبلیغات مرکزی و طی سالهای ۱۳۳۶ - ۱۳۳۸ معاون صدر کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان بوده است.

کوششهای انقلابی و خدمت رفیق مبارز ولایتی و خاطره عزیز او هرگز فراموش نخواهد شد.

بهرستی و بحق لغو قوری آن را میطلبید. در این شرایط البته باید فلاح گام به پیش بگذارد و خیانت خود را خدمت قلمداد و قرارداد امتیازی فروش نفت را نقطه عطف در تاریخ ایران و بلکه تاریخ جهان بنامد. نگفته بیداست که ضرورت سخنرانی فلاح در کلوب (روتاری) از کجا پیدا شده و چرا بویژه لحظه حاضر برای حمله به جنبش ملی شدن نفت و دکتر محمد مصدق - قهرمان شناخته شده نفت ایران انتخاب گردیده است. مبارزات دمکراتیک مردم ایران که هدفهای ملی و مترقی آن علیه امپریالیسم و ارتجاع دست نشانده آن بر کسی پوشیده نیست. اوج میگیرد. این جریان امپریالیسم و کارتل غارتگر نفت را نسبت به حفظ مواضع غارتگرانه خود در نفت ایران نگران ساخته و میسازد. از دست دادن مواضع غارتگرانه در نفت ایران آجتین خطر مالی و سیاسی نیست بلکه امپریالیسم و کارتل در برابر آن تاب و توان سکوت داشته باشد.

یکار با استبداد وارد گستره ...

برای شاهمانند گذشته مساعد نیست: ذخیره عوامفریبها و فرقه های، اعلیحضرتی و مهره بازی با اشخاص و سازمانها فروکش کرده است. در جهان امروز رژیم فاشیست مآب سلطنتی استبدادی ایران وصله ناجوری است که حتی کسانی مانند آفون وزیر خارجه انگلیس (البته بقصد عوامفریبی و بویژه بمنظور دشاتاز و گرفتن دلار های نفتی) از آن در پرده انتقاد میکنند. اقدامات تضییعی نیز برای ارباب مردم اثر خود را بیشتر از گذشته از دست داده و میدهد و امکانات خود شاه در کاربرد این اقدامات تضییعی محدودتر میشود. همه اینها شرایط را برای بسط مبارزه مردم ضد استبداد مساعد میکند. البته مبارزه با دیوا دموکراسی مانند رژیم استبدادی کنونی ایران، بنا بر واقعیت و تجربیات کار آسانی نیست. ولی مردم ایران بنویه خود نشان داده اند که از عهده مقابله با این وظیفه دشوار برمی آیند. توده مردم جوهر انقلابی خود را به ثبوت رسانده اند.

اما مبارزه باید موافق حساب و کتاب باشد. بدون وحدت عمل همه نیروهای ضد دیکتاتوری بدون ارائه برنامه مشخصی که بتواند طبقات و قشرهای مختلف مردم را به مبارزه جلب کند و با آنها نشان بدهد که مخالفان رژیم کنونی خواستار چگونه تحولی هستند بدون میدان آسمن توده های خلق. این مبارزه نمیتواند بیگ مبارزه وسیع واقعا انقلابی و ظفر بخش بدل شود. ممکن است کسانی باشند که به برخی خرده اختلافاتی که بین شاه و برخی کشورهای امپریالیستی پدید میشود پریها بنهند و دچار خیالات و پند اراهی باطل شوند. ولی همین حوادث ماههای اخیر نشان داد که شاه مانند آب میمون افسانه ایست که اگر احساس کند کف داغ حمله اورا میسوزاند. کودک خود را نیز زیر پناهاده روی آن مینشیند. این موجود از آن نزدیکی که در مصالحه با «اربابان قلابی» روزنامه نگار ایتالیایی «آرا» بمثل «ژولی طلانی» وصف کرده، دست بردار نیست و دستگناه عظیم تضییعی پلیس و ساواک و نیروهای مسلح و ثروت بیکران و دستگناههای وسیع تبلیغاتی مطبوعات «راديو» «تلویزیون و سپاهانوی چاکران رفل در اختیار دارد. تجربه همچنین نشان داده است که کشورهای امپریالیستی حرفی میخوانند که مجبور شود به آنها بیشتر بپردازد و حقوق بشر، در نزد این سوداگران مرگ حرفی یاره است که تقصیر عواند وسیله شناختن قرار گیرد و غیره. لذا در مقابل نیروی استبداد باید نیروی توانای خلق پدید شود. تاریخ بردنیروهاست.

لذا این اهمیت دارد که ما مبارزان رژیم دقیقاً بدانیم که چه میخوانیم و از چه راه میخوانیم به هدفهای خود برسیم. اسناد متعددی که در ماههای اخیر نشر یافته، نشانه درجه شایه بخشی از نضج تفکر سیاسی در کشور است. اگر شمارهای تقریبه اندک از کمیونستهای حرفه ای را بکنار بگذاریم، اگر چه در دهه های اخیر برای تعیین برنامه و تاکتیک مبارزه گرد آیم و اگر نبرد را با همه دشواریهای آن بر اساس ترکیب جسارت و بصارت با عناد و سرسختی و تراشکل درست آن ادامه دهیم، میتوانیم بکابوس سیاه استبداد خاتمه بخشیم. چنانکه گفتیم امروز شرایط برای نیل باین هدف از همیشه مساعد تر است.

حزب توده ایران سالیان فراز است که این سخنان را تکرار میکند. کمتر کسی است که در جریان مبارزه سیاسی وارد و از این موضع سیاسی حزب «ای» خبر مانده باشد. ولی تقریبه افکنانی که میخواهند پندار و امید مبارزان را بویچه قیله های امپریالیستی کنند، با افشاندن زهر ضد توده های مانع میشوند که این صدای حقیقت و خرد، سرانجام به پیدایش وحدت عمل مخالفان رژیم در مقیاس وسیع منجر شود. این تقریبه افکنی خوار آگاهانه باشد یا نه، بطور عینی بسود دشمن مشترک تمام میشود.

ما اطمینان داریم که سیر امور در آینده پیش از گذشته صحت و ضرورت و میرمیت مثنی سیاسی رویه اعتلا در کشور ماست. پاسخ منطقی و طبیعی این نطق می تواند تجمع و اتحاد کلیه نیروهای باشد که نه فقط از دست آوردهای جنبش ملی شدن نفت ضمیمانه و با قطعیت منصفه میکنند بلکه طرد تسلط غارتگرانه امپریالیسم از منافع ثروت ایران را از نهادهای اساسی و اصلی جنبش دمکراتیک مردم ایران در لحنه آکونی بشمار می آورند.

م. جهان

جنبش دمکراتیک ۲۱ آذر

بودند، بخشی از بورژوازی ملی و مالکان کوچک نیز در آن شرکت داشتند. حکومت ملی آذر در عرض یکسال با وجود وضع فلاکتباری حکومت ۲۴ ساله سلسله پهلوی به ارت رسید. علیرغم خرابکاریها و کارشکنیهای هیئت حاکمه تهران، اقدامات مهم و دامنه داری بسود خندا آورد. تصویب و اجرای قانون مترقی بیمه، برقراری نظارت کارگران در مؤسسات تولیدی، برابری حقوق زنان و مردان، تقسیم رایگان و خالصه و املاک فئودالهای خائن میان دهقانان، بکار انداختن مؤسسات صنعتی و تأسیس کارخانه جدید، مبارزه با احتکار، تقلیل مالیاتهای غیر بسود مردم زحمتکش، تأسیس بانک آذربایجان، فلاحت و شرکت ماشینیهای آبیاری و کشاورزی، کمک به دهقانان، تأسیس دانشگاه تبریز، تمد زبان مادری در مدارس، تأسیس رادیوی تبریز، چاپ آثار دولتی، ارکستر ملی و فیلارمونی آذربایجان، تأسیس پلی کلینیک ها، بیمارستانها و درمانگ تنظیم امور شهرداری و غیره. این اقدامات یعنی حق تعیین سرنوشت مردم آذربایجان در عیز استقلال و تمامیت ارضی ایران آخیزی است گردانندگان رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک رأس آنها شاه، تجزیه مملکت می نامند.

جنبش دمکراتیک خلق آذربایجان از هم، مورد پشتیبانی جدی حزب توده ایران و دیگر نیروی ترقیخواه ایران و جهان قرار گرفت. اما همه جنبش همان شدمان همه خلقهای ایران، جزایران و در رأس آنها شاه، زمینداران و سرمایه بزرگ، امپریالیستها و در درجه اول امپریالیستهای و انگلیس بودند و هستند.

دشمنان خلقهای ایران ارتجاع و امپریا توانستند جنبش دمکراتیک خلق آذربایجان را و سرکوب کنند، ولی تمام تضاد هائی که پیش جنبش ۲۱ آذربایجان را پدید آورد، امر وجود دارد و پیوسته حلدت مییابد. رژیم دیکه محمد رضا شاه در برابر نیروی متحد خلقهای یاری مقاومت ندارد و مبارزه مردم ایران در راه و استقلال میهن بیروز است.

ح. فروردین

حزب ما یعنی برانداختن دیکتاتوری و استقرار دمک از طریق وحدت عمل و تشدید مبارزه همه مخالفان رژیم را ثابت خواهد کرد. ولی روشن است که حقیقت هر چه زودتر درک شود، برای پیشرفت بهتر است و امید بزرگی را در دلاها بیدار خواهد و بر شور مبارزه خواهد افزود.

مردم ایران از مقاومت دلیرانه فرزندان خود در برابر غول دیکتاتوری خرسندند و آرزو که این مبارزات با سرسختی، هوشیاری، پیگیری و در مقیاس صمیم وسیع تر تا نیل به مقصود یابد.

حزب توده ایران مانند همیشه، نه فقط مبارزه با استبداد ثابت قدم و سخت کوشی است بلکه از مبارزه همه نیروهای دیگر علیه آن، آنکه دارای کدام جهان بینی سیاسی یا مذهبی، حمایت کرده است و خواهد کرد. برای وحدت عمل همه نیروهای ضد استبداد با تمام ابتکار خود تلاش خواهد نمود. ما برای برنده عمل مشترک بمنظور استقرار دمکرات ایران با همه نیروهای رژیم آماده ایم و هر چه مبارزه مردم ایران را در این راه پوزاندازه باشد، میگوئیم و آرا مورد پشتیبانی معنوی و عملی قرار میا.

۱. سپهر

منتشر شد:

ترجمه فارسی تاریخ نوین ایران نوش پروفسور ایوانف در قطع بزرگ.

آشننگی های آموزشی در ایران از ۱۰ فروردین.